# فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc429080449)

[ابعاد زندگی امام حسین (ع) 2](#_Toc429080450)

[دوران کودکی امام حسین علیه السلام 2](#_Toc429080451)

[دوران جوانی حضرت امام حسین علیه السلام 3](#_Toc429080452)

[دوران غربت امام حسین علیه السلام 3](#_Toc429080453)

[اخلاق و رفتار امام حسین (ع) 4](#_Toc429080454)

[خطبه دوم 5](#_Toc429080455)

[مجالس عزاداری و نقش حسینیه‌ها 6](#_Toc429080456)

[نقش فعالیت‌های گروهی در جامعه 7](#_Toc429080457)

[پیشرفت نهادهای دینی و تربیتی 7](#_Toc429080458)

[امام خمینی و واقعه 15 خرداد 8](#_Toc429080459)

[خلاصه کلام 9](#_Toc429080460)

[دعا 9](#_Toc429080461)

# خطبه اول

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به ونتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ من شرور انفسنا و سیّئاتنا اعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و حبیبنا اباالقاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[1]](#footnote-1) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی اللّه و ملازمة امره و مجانبة نهیه و تجهّزوا وقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فانّ الخیر الزاد التقوی.**

# ابعاد زندگی امام حسین (ع)

# دوران کودکی امام حسین علیه‌السلام

در آن دوران زمان پیامبر اکرم، امام حسین عبارت است از کودک نوردیده‌ی سوگلی پیامبر. پیامبر اکرم دختری به نام فاطمه دارد که همه‌ی مردم مسلمان در آن روز می‌دانند که پیامبر فرمود: **«إِنَّ اللّهَ تَعَالَی یغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ**»[[2]](#footnote-2)؛ اگر کسی فاطمه را خشمگین کند، خدا را خشمگین کرده است. **«وَ یرْضَی لِرِضَاهَا**»[[3]](#footnote-3) اگر کسی او را خشنود کند، خدا را خشنود کرده است. ببینید، این دختر چه قدر عظیم المنزله است که پیامبر اکرم در مقابل مردم و درملأعام، راجع به دخترش این‌گونه حرف می‌زند؛ این چیز عادی نیست.

پیامبر اکرم این دختر را در جامعه‌ی اسلامی به کسی داده است که ازلحاظ افتخارات، در درجه‌ی اعلاست؛ یعنی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام او، جوان، شجاع، شریف، از همه مؤمن‌تر، از همه باسابقه‌تر، از همه شجاع‌تر، و در همه‌ی میدان‌ها حاضر است؛ کسی است که اسلام به شمشیر او می‌گردد؛ هرجایی که همه درمی‌مانند، این جوان جلو می‌آید، گره‌ها را باز می‌کند و بن‌بست‌ها را می‌شکند. این داماد محبوب عزیزی که محبوبیت او به خاطر خویشاوندی و این‌ها نیست - به خاطر عظمت شخصیت اوست پیامبر دخترش را به او داده است. حالا کودکی از این‌ها متولدشده است، و او حسین بن علی است.

البته همه‌ی این حرف‌ها درباره امام حسن علیه‌السلام هم هست؛ اما من حالا بحثم راجع به امام حسین علیه‌السلام است؛ عزیزترین عزیزان پیامبر؛ کسی که رئیس دنیای اسلام، حاکم جامعه‌ی اسلامی و محبوب دل همه‌ی مردم، او را در آغوش می‌گیرد و به مسجد می‌برد. همه می‌دانند که این کودک، محبوب دل این محبوب همه است. او روی منبر مشغول خطبه خواندن است، این بچه پایش به مانعی می‌گیرد و زمین می‌افتد؛ پیامبر از بالای منبر پایین می‌آید، این بچه را بغل می‌گیرد و او را آرام می‌کند. ببینید، مسئله این است.

پیامبر درباره‌ی امام حسن و امام حسین شش، هفت‌ساله فرمود **«سَیدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّة**»[[4]](#footnote-4) این‌ها سرور جوانان بهشتند. این‌ها که هنوز کودک‌اند، جوان نیستند؛ اما پیامبر می‌فرماید سرور جوانان اهل بهشتند. یعنی در دوران شش، هفت‌سالگی هم در حد یک جوان است، می‌فهمد، درک می‌کند، اقدام می‌کند، ادب می‌ورزد و شرافت در همه‌ی وجود او موج می‌زند. اگر آن روز کسی می‌گفت که این کودک به دست امت همین پیامبر، بدون هیچ‌گونه جرم و تخلفی، به قتل خواهد رسید، برای مردم غیرقابل‌باور بود؛ همچنان که پیامبر فرمود و گریه کرد و همه تعجب کردند که یعنی چه، مگر می‌شود؟!

# دوران جوانی حضرت امام حسین علیه‌السلام

دوره دوم، دوره‌ی بیست‌وپنج‌ساله بعد از وفات پیامبر تا حکومت امیرالمؤمنین است؛ جوان، بالنده، عالم و شجاع است، در جنگ‌ها شرکت می‌کند، درباره‌ای بزرگ دخالت می‌کند، همه او را به عظمت می‌شناسند؛ نام بخشنده‌ها که می‌آید، همه چشم‌ها به‌سوی او برمی‌گردد؛ در هر فضیلتی، در میان مسلمانان مدینه و مکه، هرجایی که‌موج اسلام رفته است، مثل خورشیدی می‌درخشد؛ همه برای او احترام قائل‌اند؛ خلفای زمان، برای او و برادرش احترام قائل‌اند؛ در مقابل او تعظیم و تجلیل می‌کنند و نام آن‌ها را به عظمت می‌آورند؛ جوان نمونه‌ی دوران، و محترم پیش همه. اگر آن روز کسی می‌گفت که همین جوان، به دست همین مردم کشته خواهد شد، هیچ‌کس باور نمی‌کرد.

# دوران غربت امام حسین علیه‌السلام

دوره‌ی سوم، دوره‌ی بعد از شهادت امیرالمؤمنین است؛ یعنی دوره‌ی غربت اهل‌بیت. امام حسن و امام حسین (علیهماالسلام) باز در مدینه‌اند. امام حسین، بیست سال بعدازاین مدت، به‌صورت امام معنوی همه‌ی مسلمان، مفتی بزرگ همه‌ی مسلمانان، مورداحترام همه‌ی مسلمانان، محل ورود و تحصیل علم همه، محل تمسک و توسل همه‌ی کسانی که می‌خواهند به اهل‌بیت اظهار ارادتی بکنند، در مدینه زندگی کرده است؛ شخصیت محبوب، بزرگ، شریف، نجیب، اصیل و عالم. او به معاویه نامه می‌نویسد؛ نامه‌ای که اگر هرکسی به هر حاکمی بنویسد، جزایش کشته شدن است. معاویه باعظمت تمام این نامه را می‌گیرد، می‌خواند، تحمل می‌کند و چیزی نمی‌گوید. اگر در همان اوقات هم کسی می‌گفت که در آینده‌ی نزدیکی، این مرد محترم شریف عزیز نجیب که مجسم کننده‌ی اسلام و قرآن در نظر هر بیننده است. ممکن است به دست همین امت قرآن و اسلام کشته بشود، آن‌هم با آن وضع، هیچ‌کس تصور هم نمی‌کرد؛ اما همین حادثه‌ی باورنکردنی. همین حادثه‌ی عجیب و حیرت‌انگیز، اتفاق افتاد. چه کسانی کردند؟ همان‌هایی که به خدمتش می‌آمدند و سلام و عرض اخلاص هم می‌کردند. این یعنی چه؟ معنایش این است که جامعه‌ی اسلامی در طول این پنجاه سال، از معنویت و حقیقت اسلام تهی شده است؛ ظاهرش اسلامی است، اما باطنش پوک شده است؛ خطر اینجاست. نمازها برقرار است، نماز جماعت برقرار است، مردم هم‌اسمشان! مسلمان است و عده‌ای هم طرفدار اهل‌بیت هستند.

# اخلاق و رفتار امام حسین (ع)

با نگاهی اجمالی به 56 سال زندگی سراسر خداخواهی و خداجویی حسین (ع)، درمی‌یابیم که هماره وقت او به پاک‌دامنی و بندگی و نشر رسالت احمدی و مفاهیم عمیقی والاتر از درک و دید ما گذشته است. اکنون مروری کوتاه به زوایای زندگانی آن عزیز، که پیش روی ما است: امام حسین (ع) به نماز و نیایش با پروردگار و خواندن قرآن و دعا و استغفار علاقه بسیاری و حتی در آخرین شب داشت. گاهی در شبانه‌روز صدها رکعت نماز می‌گذاشت.

زندگی دست از نیاز و دعا برنداشت، و خوانده‌ایم که از دشمنان مهلت خواست تا بتواند باخدای خویش به خلوت بنشیند. و فرمود: خدا می‌داند که من نماز و تلاوت قرآن و دعای زیاد و استغفار را دوست دارم حضرتش بارها پیاده به خانه کعبه شتافت و مراسم حج را برگزار کرد.

شخصیت حسین بن علی (ع) آن‌چنان بلند و دور از دسترس و پرشکوه بود که وقتی با برادرش امام مجتبی (ع) پیاده به کعبه می‌رفتند، همه بزرگان و شخصیت‌های اسلامی به احترامشان از مرکب پیاده شده، همراه آنان راه می‌پیمودند.

احترامی که جامعه برای حسین (ع) قائل بود، بدان جهت بود که او با مردم زندگی می‌کرد از مردم و معاشرتشان کناره نمی‌جست باجان جامعه هماهنگ بود، چنان دیگران از مواهب و مصائب یک اجتماع برخوردار بود، و بالاتر از همه ایمان بی تزلزل او به خداوند، او را غم‌خوار و یاور مردم ساخته بود.

وگرنه، او نه کاخ‌های مجلل داشت و نه سربازان و غلامان محافظ، و هرگز مثل جباران راه آمدوشد را به گذرش بر مردم نمی‌بستند، و حرم رسول‌الله (ص) را برای او خلوت نمی‌کردند... این روایت یک نمونه از اخلاق اجتماعی اوست، بخوانیم:

روزی از محلی عبور می‌فرمود، عده‌ای از فقرا بر عباهای پهن‌شده‌شان نشسته بودند و نان پاره‌های خشکی می‌خوردند، امام حسین (ع) می‌گذشت که تعارفش کردند و او هم پذیرفت، نشست و تناول فرمود و آنگاه بیان داشت: «**إِنَّهُ لا یحِبُّ الْمُسْتَکبِرِینَ**»[[5]](#footnote-5) خداوند متکبران را دوست نمی‌دارد. پس فرمود: من دعوت شمارا اجابت کردم، شما هم دعوت مرا اجابت کنید.

آن‌ها هم دعوت آن حضرت را پذیرفتند و همراه جنابش به منزل رفتند. حضرت دستور داد و بدین ترتیب پذیرایی گرمی هر چه در خانه موجود است به ضیافتشان بیاورند، از آنان به عمل آمد، و نیز درس تواضع و انسان‌دوستی را با عمل خویش به جامعه آموخت.

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به ونتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ من شرور انفسنا و سیّئاتنا اعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و حبیبنا اباالقاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین و صلّ علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّ علی صدّیقة الطاهرة فاطمة الزهرا (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد والحسن بن علی و خلف القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرّحمن و سلالة النبیّین و صفّوة المرسلین و عترة خیرة ربّ العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[6]](#footnote-6) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی اللّه.**

# مجالس عزاداری و نقش حسینیه‌ها

مجالس حسینی بهترین فرصت برای گرد هم آمدن مؤمنان باهدف زنده نگه‌داشتن یاد اهل‌بیت، مطالعه اصول دین و احکام شریعت و همکاری و همراهی در مسیر حل مشکلات جامعه بوده‌اند و درگذر تاریخ به پایگاه‌هایی برای تربیت، راهنمایی و تعامل اجتماعی تبدیل‌شده‌اند. به‌این‌ترتیب، روحیه جمع‌گرایی و همکاری، به‌واسطه تمسک به امام حسین علیه‌السلام، در میان مؤمنان پرورش یافت و با رشد جوامع شیعه، مؤمنان حسینیه‌ها را ایجاد کردند که مراکزی ثابت برای برگزاری اجتماعات و مجالس مذهبی بودند.

حسینیه‌ها ‌ در کنار مساجد، نقش مهمی در حفظ روح دینی جامعه و تحکیم پیوندهای برادرانه در طول تاریخ بازی کرده‌اند و هرچند در آغاز برای برگزاری مجالس عزاداری و یادآوری عاشورا شکل‌گرفته بودند، باگذشت زمان نقش کانونی برای فعالیت‌های گوناگون، همچون برنامه‌های هفتگی و مناسبتی، در تمام سال و مخصوصاً سه ماه رمضان، محرم و شعبان را بازی کرده‌اند.

بااینکه حسینیه‌ها در اساس برای اقامه عزای حسینی ایجادشده بودند، اما اندیشه زنده شیعی و توان آن برای انطباق‌پذیری با شرایط اجتماعی و منحصر نماندن به محدوده‌ای خاص باعث شد نقش حسینیه‌ها افزایش یابد و خانه‌هایی برای بسیاری از فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی باشند. بسیاری از حسینیه‌ها مدرسه‌هایی برای آموزش و حفظ قرآن، تدریس اصول دین و احکام شریعت و حتی، در بسیاری موارد، آموزش مهارت‌های زندگی بوده‌اند؛ فعالیت‌هایی که همه گروه‌های اجتماعی ‌زن و مرد، بزرگ و کوچک، پیر و جوان‌ را در برمی‌گیرند.

پس از انقلاب اطلاعاتی ناشی از پیشرفت‌های رایانه‌ای و ظهور اینترنت، بسیاری از حسینیه‌ها این امکانات را برای دنبال کردن فعالیت‌هایشان در فضای مجازی به کار گرفتند و اکنون صدها پایگاه اینترنتی وجود دارند که باهدف ترویج پیام اسلام و مسیر اصیل قرآن و عترت فعالیت می‌کنند.

بسیاری از حسینیه‌ها حتی پا به عرصه پخش ماهواره‌ای گذاشتند و به شبکه‌های ماهواره‌ای فعالی تبدیل شدند که در دفاع از اسلام اصیل، اشاعه نیکی‌ها و ترویج اصول قرآن و مذهب پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام نقش مهمی بازی می‌کنند. به‌این‌ترتیب، بعضی از حسینیه‌ها اینک نهادهای فرهنگی و خدماتی بزرگی هستند که فعالانه در عرصه فرهنگ‌سازی، تربیت، آگاه‌سازی و عرضه خدمات اجتماعی تلاش می‌کنند.

# نقش فعالیت‌های گروهی در جامعه

در اینجا باید اشاره‌کنیم که امروزه فعالیت فردی سودی ندارد و اثر چنین فعالیت‌هایی به پایین‌ترین سطح رسیده است، چراکه جهان امروز، چه در عرصه اقتصاد و چه در حوزه سیاست و فرهنگ و رسانه، جهان شرکت‌ها، تعاونی‌ها و همکاری‌های جمعی است و امروزه سازمان‌ها و نهادها هستند که نقش غالب را بازی می‌کنند و تلاش‌های فردی چندان اثری بر جای نمی‌گذارند.

فرهنگ دینی ما هم همکاری سازمان‌یافته اجتماعی را تشویق می‌کند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «**وَتَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَالتَّقْوَی وَلاَ تَعَاوَنُوا عَلَی الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا الله إِنَّ الله شَدِیدُ الْعِقَابِ**»[[7]](#footnote-7) و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام هم در وصیتش ما را به نظم امور و عمل جمعی فرامی‌خواند. بنابراین، دگرگونی عمومی فعالیت‌های دینی از اعمالی فردی به کنش‌هایی اجتماعی، سازمان‌یافته و همکاران در آموزه‌های اسلامی ریشه دارد.

# پیشرفت نهادهای دینی و تربیتی

شکی نیست که نهادهای دینی برای پیشرفت در جهان امروزی به تلاش برای تدوین راهبردهایی واقع‌بینانه و موفق برای فعالیت دینی و کمک نیکوکاران برای پشتیبانی از این فعالیت‌ها، به شکل کمک‌های فکری و مالی، برنامه‌ریزی و تأمین نیروی انسانی نیاز دارند.

باید در نظر داشته باشیم که آثار مثبت هر عمل خیری درنهایت به جامعه‌ای که ما نیز جزئی از آن هستیم و فرزندان و خانواده ما برمی‌گردد و دنیا و آخرت ما را آباد خواهد کرد، همان‌گونه که خداوند هم می‌فرماید: «**وَمَا تُقَدِّمُوا ِلأَنْفُسِکمْ مِنْ خَیرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَیرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا**»[[8]](#footnote-8)

# امام خمینی و واقعه 15 خرداد

با نگاهی گذرا به تاریخ معاصر ایران می‌توان دریافت که قیام ۱۵ خرداد ۴۲ یک جنبش منحصربه‌فرد بوده که با ایجاد دگرگونی ژرف‌اندیشانه بر مبنای فرهنگ غنی عاشورایی تأثیرات عمیق سیاسی و اجتماعی در سطح جامعه ایرانی به وجود آورده است که این پیامدها و تأثیرات منجر به بسترسازی جهت بروز انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و استقرار حکومت اسلامی بر مبنای نظریه‌ی ولایت مطلقه فقیه گشته است. آنچه 15 خرداد را نسبت به دیگر رخدادهای تعیین‌کننده تاریخ کشورمان متمایز ساخته، دینی یا به تعبیری اسلامی بودن آن است. که این‌همه از رهگذر رهبری یک عالم آگاه و زمان‌شناس و دردمند صورت گرفته است. که دغدغه اسلام و ارزش‌های معنوی دین را که ریشه در فطرت مردم دوانده بود، در رأس توجه خود قرار می‌داد. این مبارزه به‌منزله اصلاح طرز تفکر و روحیه مردم ایران بود که رژیم شاه را بر سر دوراهی خطرناکی قرار می‌داد. چون از یک‌سو، رهبری مذهبی شیعه، سیاست‌های استبدادی شاه را به‌طور علنی و رسمی موردحمله قرار می‌داد و از سوی دیگر، دولت از رویارویی علنی با مذهب بیمناک بود.قیام 15 خرداد 1342 دارای ویژگی‌هایی بود که هیچ‌یک از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی پیشین ایران، واجد همه این خصوصیات نبوده‌اند. این مسئله، قیام 15 خرداد را یک حرکت سیاسی، اجتماعی و فکری و فرهنگی منحصربه‌فرد می‌سازد که نقطه عطفی در سیر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران پدید آورد و سمت‌وسوی مذهبی بدان بخشید. قیام ۱۵ خرداد نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) بوده و بدین ترتیب فصل جدیدی در رویارویی مستضعفان با مبتکران گشوده شده است. در حقیقت این قیام ۱۵ خرداد بود که ماهیت رژیم ستم‌شاهی را بیش‌ازپیش آشکار کرد نقطه آغازی برای طوفان عظیم انقلاب اسلامی گردید که ظرف ۱۵ سال مجاهدت و جانبازی مجاهدان به پیروزی رسیدند و شالوده‌ی رژیم وابسته را به ابرقدرت را درهم کوبیدند.

امام خمینی (ره) فرمودند: قیام ۱۵ خرداد اسطوره قدرت ستم‌شاهی را درهم شکست و افسانه‌ها و افسون‌ها را باطل کرد.

# خلاصه کلام

اساس انقلاب اسلامی ارزش‌ها و معیارهای دینی است. پیشرفت اقتصادی، سازندگی کشور و تحولات دیگر باید در حیطه انقلاب اسلامی و مواضع دینی باشد. همه مردم و مسئولین و متصدیان امور باید در حفظ ارزش‌های عرفانی و معنوی انقلاب تلاش کنند و این وظیفه نمازهای جمعه و این صفوف وحدت‌بخش و الهی است که فرهنگ انقلاب فرهنگ امام، معنویت، مبارزه با مفاسد و تهاجم فرهنگی و... را بر عهده بگیرد و برای تحقق آن‌ها تلاش کند. امیدواریم که خداوند به همه ما توفیق انجام این رسالت و مسئولیت سنگین و باعظمت را عنایت بفرماید.

# دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین اللهم ارزقنی توفیق الطاعة بعد المعصیة صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله.**

خدایا گام‌های ما را درراه خودت استوار بدار. خدایا قلب‌های ما را به نور ایمان و معرفت خودت منور بفرما. خدایا ما را از وسوسه‌های شیطان دور بدار. به ما توفیق تهذیب نفس و تکمیل اخلاق عنایت بفرما. خدایا ما را همواره متذکر مرگ و عوالم پس از مرگ بدار و...

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ وَلَمْ یکنْ لَهُ کفُوًا أَحَدٌ»**[[9]](#footnote-9)

1. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-1)
2. . رواه الشیخ الصدوق فی عیون أخبار الرضا 2: 46 الحدیث 176. [↑](#footnote-ref-2)
3. . همان. [↑](#footnote-ref-3)
4. . شیخ صدوق، أمالی الصدوق، لبنان، بیروت، انتشارات اعلمی، سال 1400 ه ق، چاپ پنجم، ص 58.. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره نحل، آیه 22. [↑](#footnote-ref-5)
6. . آل عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-6)
7. . مائده، آیه 2. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره المزمل، آیه 20. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره اخلاص. [↑](#footnote-ref-9)